

نیازسنجی دوره های آموزشی عشایر منطقه سیستان در خصوص الگوی مناسب تغذیه دام

علیرضا ارباب^۱، مصطفی یوسف اللهی^۲، ولی اله سارانی^{۳*}، حسن شهرکی^۴

۱- کارشناس ارشد رشته تغذیه دام، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زابل

۲- دانشیار گروه علوم دامی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زابل

۳ و ۴- استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه زابل

چکیده

این تحقیق از لحاظ هدف در زمره تحقیقات کاربردی و از نظر شیوه گردآوری اطلاعات جزء تحقیقات توصیفی - همبستگی بود که با استفاده از تکنیک پیمایش صورت گرفت. جامعه آماری تحقیق شامل ۴۸۰۵ نفر بهره بردار کشاورزی در پنج شهرستان از منطقه سیستان بود که با استفاده از فرمول کوکران نمونه ای به حجم ۳۵۵ نفر از آن انتخاب و با استفاده از روش نمونه گیری طبقه ای مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار تحقیق شامل پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی آن توسط کمیته تحقیق مورد تایید قرار گرفت و پایایی آن با استفاده از یک آزمون مقدماتی و تکمیل ۳۰ پرسشنامه در جامعه آماری و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ بخش های مختلف آن در حد مطلوب مورد ارزیابی قرار گرفت. یافته های تحقیق در خصوص مهمترین نیازهای آموزشی پاسخگویان نشان از آن داشت که آشنایی با خوراک های مورد نیاز دام، آشنایی با روش های برآورد نیاز غذایی دام و اصول تغذیه دام و احتیاجات تغذیه ای دام از اولویت بالایی نسبت به سایر موارد برخوردار بوده اند. همچنین نتایج حاصل از تحلیل همبستگی تحقیق حاکی از آن بود که بین متغیرهای فاصله محل زندگی تا مرکز شهر، تعداد دام سبک عشایر و تعداد دفعات شرکت در دوره های آموزشی مختلف با نیازهای آموزشی آنان در خصوص تغذیه در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه معنی دار و بین تعداد دفعات مراجعه به مراکز خدمات کشاورزی و عشایری و تعداد دام سنگین در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معنی داری با نیازهای آموزشی عشایر داشت. همچنین یافته های حاصل از مقایسه میانگین گویای این مطلب بود که بین سطوح مختلف تحصیلات عشایر مورد مطالعه و نیازهای آموزشی آنان در خصوص تغذیه دام رابطه معنی داری مشاهده گردید.

نمایه واژگان: سیستان، نیاز آموزشی، عشایر، دام، تغذیه دام

نویسنده مسئول: ولی اله سارانی

رایانامه: vsarani@uoz.ac.ir

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۰۹/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۳۰

مقدمه

دامپروری در بخش کشاورزی ایران به واسطه برخی ویژگی‌ها دارای مرتبه ی با اهمیت تری در مقایسه با سایر زیربخش‌های زراعت، باغبانی و غیره می‌باشد. نگاهی به جایگاه جهانی ایران در تولیدات دامپروری بیانگر ارزش و ضرورت توجه روز افزون به ارتقای کیفیت این بخش است. همچنین، این زیربخش سهم مهمی در درآمد جمعیت فعال بخش کشاورزی دارد و پشتوانه ی اقتصادی سایر بخش‌های اقتصادی کشور نیز به شمار می‌آید (حاجی میر رحیمی، ۱۳۸۲). لذا نیازسنجی، برنامه ریزی و تدوین راه کارهای اساسی به منظور افزایش اشتغال در مناطق روستایی و عشایری کمتر توسعه یافته، از مهمترین موضوعاتی است که باید مورد بررسی قرار گیرد تا اشتغال، تولید، افزایش درآمد خانوار و دستیابی به توسعه مهارت نیروی انسانی مهیا شود. از این رو قبل از هر گونه اقدامی؛ شناسایی و بررسی مشاغل روستایی و عشایری موجود، در اولویت کاری قرار گیرد (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۲). زندگی عشایر مبتنی بر کوچ و مرتعداری نوع خاصی از معیشت در مناطق خشک و نیمه خشک جهان محسوب می‌شود. از آنجا که معاش عشایر به دام متکی است، ناچارند برای تأمین علوفه مورد نیاز از مراتع و همچنین، دوری از گرما و سرمای طاقت فرسا، به کوچ بین دو ناحیه به نام ییلاق و قشلاق اقدام کنند. پس از آنجایی که زندگی آنها ارتباط مستقیم با دام دارد و این دام می تواند منبع اصلی درآمد آن‌ها باشد، نیاز به آموزش‌هایی جهت استفاده بهتر و یا درآمد بیش تر از دام امری ضروری به نظر می رسد که در این تحقیق به این مهم از بعد تغذیه دام عشایر و اهمیت توجه به آن پرداخته شده است.

گرسنگی و سوء تغذیه جوامع بشری را تهدید می کند، به طوری که رفع آن را از فعالیتهای توسعه ملی قلمداد می کنند. این موضوع سبب جلب توجه پژوهشگران و

اندیشمندان به سوی آینده نگری، برنامه ریزی و اتخاذ تدابیری برای مبارزه جدی با پدیده فقر و گرسنگی شده است. نقش پروتئین حیوانی در تغذیه انسانی بسیار مهم بوده و کمبود آن اثراتی مثل سوء تغذیه، عدم رشد کافی، کاهش مقاومت بدن در مقابل بیماریهای عفونی و عوامل بیماریزا را به دنبال دارد. بطور متوسط روزانه ۷۵ گرم پروتئین مورد نیاز هر فرد است، که دست کم ۲۸ گرم آن باید از منابع حیوانی مثل شیر، گوشت قرمز، مرغ، ماهی و تخم مرغ تأمین شود (اسدی و همکاران، ۱۳۸۷). به طور معمول کشورهای جهان سوم و در حال توسعه، قادر به رعایت این استاندارد غذایی نیستند. با وجودی که بازار عرضه و تقاضای شیر و گوشت در ایران رو به رشد است، ولی محدودیتهایی در نظام تولید وجود دارد که یکی از مهمترین آن‌ها عدم استفاده بهینه از منابع موجود است (همان منبع).

شیوه ی زیست مبتنی بر کوچ (کوچندگی) از متقدم ترین اشکال حیات اجتماعی است که از واپسین دوران شکل گیری زندگی اجتماعی انسان‌ها تاکنون استمرار داشته است. از نظر الگوی زیست و استقرار، تعداد زیادی از جمعیت و جوامع عشایری، در زمره اجتماعات کوچنده و متحرک قرار می گیرند. از گذشته های دور تاکنون، پهنه وسیعی از نواحی آسیای شرقی و مرکزی تا خاور میانه و شمال آفریقا شاهد حضور و استقرار اشکال متعددی از زندگی توأم با کوچ و به خصوص شیوه زیست عشایر کوچنده بوده است که از آن میان می توان به تعداد زیادی از اقوام و ایلات و عشایر کوچنده مستقر در کشورهای مختلف آسیای مرکزی، افغانستان و کشمیر، پاکستان، ایران، ترکیه، عراق، سوریه، تونس، عشایر صحرانورد و واحه نشین شبه جزیره عربستان، کشورهای شمال و شمال غرب آفریقا تا صحرای غربی و مراکش اشاره کرد. هنوز هم در برخی از نواحی جغرافیایی سایر قاره ها مانند آمریکا و اروپا، زندگی کوچ نشینی مبتنی

بر دامداری شبانی وجود دارد که از آن جمله می توان به بقایای این نوع زندگی در اروپای مرکزی و شمال غربی (منطقه آلپ) و برخی از نواحی آمریکای شمالی و جنوبی اشاره کرد (حبیبیان و همکاران، ۱۳۸۳).

اولین گام در طراحی هر برنامه، شناسایی نیازهاست. بدون انجام یک نیازسنجی درست، امکان تنظیم درست اهداف برنامه، تخصیص منابع لازم و ارائه دیدگاه ها و روش های مناسب برای رفع این نیازها وجود ندارد. با نیازسنجی مشخص می گردد که مشکل در کجاست و کدام بخش از مشکل نیاز به کدام مداخله دارد. در واقع انجام نیازسنجی به ارتقا و بهبود دوره های مهارتی کمک بسزایی می کند. نیازسنجی عبارت است از فرآیند شناسایی، تعیین و اولویت بندی نیازها با استفاده از تکنیک های مختلف نیازسنجی. یا عبارت دیگر تعیین نیازهای آموزشی عبارت است از شناسایی نیازها و درجه بندی آن ها به ترتیب اولویت و انتخاب نیازهایی که باید کاهش یافته و یا حذف شود (منفرد و همکاران، ۱۳۹۸). از همین رو و به دلیل متکی بودن برنامه های آموزشی به اطلاعات، بدین لحاظ نیازسنجی جزء جدایی ناپذیر برنامه ریزی های آموزشی - ترویجی محسوب می شود.

در منطقه سیستان که در حال حاضر دارای پنج شهرستان زابل، زهک، هیرمند، هامون و نیمروز و بیش از ۸۰۰ روستا می باشد، شغل اغلب روستائیان آن کشاورزی بوده که اغلب نیز از نظر سواد در سطح پائینی قرار دارند. با توجه به رشد روز افزون جمعیت کشور و نیاز رو به رشد مردم به مواد غذایی کشاورزی نیازمند به رشد و گسترش روز افزون در سایه افزایش تکنولوژی و فناوری روز در جهت تأمین نیازهای رو به رشد مردم می باشد. از آنجایی در منطقه سیستان کشاورزی بخصوص دامداری همواره با چالش های مختلف از جمله کمبود مهارت نیروی کار شاغل در این بخش، خشکسالی و کمبود سرمایه

روبه رو می باشد نیازمند توجه ویژه دولت می باشد. هدف کلی این تحقیق بررسی نیازهای آموزشی عشایر منطقه سیستان در خصوص تغذیه دام با توجه به اشتغال اصلی آن ها به دامداری و مخاطرات دامی منطقه پرداخته شده است که برای رسیدن به این هدف، اهداف جزئی زیر را دنبال می کند:

- شناسایی ویژگی های فردی، حرفه ای و اقتصادی و ارتباطی عشایر منطقه سیستان.

- شناسایی اثرات اقتصادی و اجتماعی پرورش دام بر زندگی عشایر منطقه سیستان.

- تعیین نیازهای آموزشی عشایر در خصوص تغذیه دام
- شناسایی عوامل مؤثر بر نیازهای آموزشی عشایر در خصوص تغذیه دام

- اولویت بندی مکان های آموزشی مناسب عشایر در خصوص آموزش دامداری

- شناسایی روش های آموزشی مناسب عشایر در خصوص آموزش دامداری

- ارائه پیشنهادات کاربردی به منظور افزایش تولید و درآمد عشایر در خصوص پرورش دام

پیشینه تحقیق موضوعی است که سابقه و یا شواهد موجود را که از قبل پیرامون موضوع تحقیق صورت گرفته است به نمایش می گذارد به طور کلی مستندات مورد نیاز را ارائه و به عنوان یک نقشه راه به محقق مسیر را نشان می دهد و محقق با احاطه بیش تر و با تکیه بر اینکه اطلاعات اولیه در این خصوص وجود دارد و با خیال راحت تر به تحقیق می پردازد. از این رو برخی از مطالعات صورت گرفته در خصوص عنوان این تحقیق به شرح زیر می باشد.

حاجی میررحیمی (۱۳۸۲) در تحقیقی به بررسی نیازهای آموزشی شاغلان گاوداری های نیمه صنعتی استان قم پرداخت که نتایج این تحقیق بیانگر این مطلب بود که کم ترین سطح دانش و مهارت شاغلان در

گاو بیش از حد متوسط بوده و به ترتیب اولویت شامل: مدیریت تولید مثل، بازاریابی، پرواربندی گوساله، مدیریت تغذیه، مدیریت جایگاه دام و مدیریت بهداشتی می باشد. همچنین، بر اساس نتایج تحلیل عاملی موضوعات آموزشی پرورش گاو، عامل اول بنام بهبود کیفیت دام و تغذیه شامل متغیرهای: بهداشت شیر دوشی و پستان، بهداشت سم، بهداشت تغذیه، بهداشت خرید و انتقال دام ها، مصرف خوراک دام، کیفیت علوفه مصرفی، بهبود شرایط محیطی (بهبود تولید مثل)، تشخیص به موقع فحلی، انتخاب دام پروری، تغذیه و خوراک دام پروری بوده و در مجموع ۴۰ درصد واریانس کل نیازهای آموزشی را تبیین کرده است. نتایج مطالعه اسماعیلی متین و عزیز (۱۳۹۳) با عنوان بررسی و شناسایی نیازهای آموزشی ترویجی عشایر استان کرمانشاه نشان داد که مهم ترین نیازهای آموزشی پاسخگویان شامل سوادآموزی، آموزش دامپروری، آموزش دامپزشکی، بهداشت دام و طیور، آموزش مرتعداری می باشد. محمدی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه ای به بررسی نیازهای اطلاعاتی زنان عشایر کوچ نشین شهرستان کهگیلویه پرداختند. یافته های پژوهش نشان داد که ۵۳/۲ درصد زنان عشایر کوچ نشین از وجود کتابخانه های عمومی به عنوان یک مرکز اطلاع رسانی آشنایی بسیار کمی داشتند. پاسخگویان مهم ترین موانع دسترسی خود به منابع اطلاعاتی را صعب العبور بودن راه های ارتباطی، کمبود زیرساخت های ارتباطی و اطلاعاتی، عدم آشنایی با منابع اطلاعاتی، عدم دسترسی آسان به مراکز بهداشت و درمان، مراکز آموزشی، فرهنگی و خدماتی اعلام کردند. آتاتی (۲۰۱۰) در بررسی نیازهای اطلاعاتی چوپانان عشایر کنیا و مطالعه میزان کارایی استفاده از شتر در امر اطلاع رسانی به شبانان استان های شمال شرقی کشور کنیا، دریافت که بهترین شیوه های ارائه خدمات اطلاعاتی از شبانان، طراحی روش های مناسب اطلاع رسانی و تعیین نوع و شکل

زمینه بیماری های گاوهای شیری و پروراری، تولید مثل و مدیریت اقتصادی واحدهای گاوداری می باشد. بیشترین سطح دانش شاغلان متعلق به موضوعات پرورش گاو و شیردوشی است. مهم ترین نیاز آموزشی شاغلان به ترتیب در گروه های آموزشی شیردوشی، تولید مثل، پرورش گاو، بهداشت واحد گاوداری، بیماری های گاوهای شیری و پروراری، مدیریت اقتصادی واحد گاوداری و تغذیه گاوهای شیری و پروراری دارد. ایروانی و غفاری (۱۳۸۳) تحقیقی را تحت عنوان بررسی نیازهای آموزشی ترویجی عشایر کوچنده کرد و نیمه کوچنده ترکمن و مقایسه آنها در مراتع حوزه آجی سو، شرق مازندران انجام داده اند که نتایج آن نشان می دهد که سطح سواد هر دو قشر بسیار پایین است و بین میانگین نظرات دو قشر بر روی پاره ای از صفات مورد مطالعه تفاوت معنی دار وجود دارد. همچنین آگاهی هر دو قشر از اصول حفاظت، احیاء، اصلاح و توسعه کم می باشد. صالحی ده پاکانی (۱۳۸۸) در پایان نامه خود با عنوان بررسی نیازهای اطلاعاتی دانش آموزان عشایر کوچنده ایل قشقایی استان فارس، طایفه عمله، تیره صفی خانی: ارائه الگویی جهت تأمین خدمات کتابخانه ای، دریافت که منابع مورد نیاز برای مطالعه دانش آموزان به دو بخش منابع درسی و غیردرسی قابل تقسیم هستند و نیاز به برخورداری از منابع و مطالب غیر درسی بیشتر احساس می گردد. در میان مطالب و موضوعات غیر درسی، موضوعات فرهنگی، ورزشی، اجتماعی، مذهبی، و سیاسی به ترتیب اولویت اهمیت قرار دارند. آن ها در محل زندگی خود در قشلاق و ییلاق از وجود کتابخانه بی بهره بودند. اکثر دانش آموزان در منطقه ییلاقی از دسترسی به امکانات پست و مخابرات بی بهره بودند. قاسمی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان بررسی نیازهای آموزشی عشایر بهره بردار پایاب سد ارسباران در زمینه پرورش گاو به این نتایج دست یافتند که نیاز آموزشی بهره برداران در زمینه پرورش

اطلاعات برای برآوردن نیازهای اطلاعاتی آنان است. یافته‌های وی نشان داد که حمل کتاب توسط وسایل غیرموتوری جایگزین مناسبی برای کتابخانه‌ای دیگر است و همچنین یک وسیله مهم برای برآوردن نیازهای اطلاعاتی شبانان عشایری به شمار می‌آید.

روش شناسی

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از جنبه‌ی تحلیل و جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی - همبستگی است که به روش پیمایشی انجام شده است، زیرا از یک سو به توصیف وضعیت موجود متغیرهای تحقیق می‌پردازد و از سوی دیگر میزان و نوع رابطه‌ی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته را تعیین می‌کند. ابزار اندازه‌گیری این تحقیق پرسشنامه بود که بر اساس اهداف، فرضیات و بررسی پیشینه تحقیق طراحی شد و توسط جامعه آماری تحقیق تکمیل گردید. پرسشنامه شامل هشت بخش بود که در بخش اول به ویژگی‌های فردی افراد مورد مطالعه و در بخش‌های دوم و سوم به ترتیب سؤالاتی جهت شناسایی ویژگی‌های حرفه‌ای و اقتصادی پاسخگویان طراحی شد. بخش چهارم اثرات اقتصادی و اجتماعی پرورش دام، در بخش پنجم به نیازسنجی دوره‌های مورد نیاز عشایر در خصوص دام، بخش ششم به اولویت بندی مکان‌های آموزشی، بخش هفتم گویه‌های مربوط به روش‌های آموزشی مناسب برای دست‌یابی به اطلاعات و در نهایت

بخش هشتم اختصاص داشت به گویه‌های مربوط به اولویت بندی صلاحیت‌های آموزشگران. جامعه آماری این تحقیق کلیه سرپرستان خانوار عشایر منطقه سیستان بود که در مناطق مختلف سیستان در امر دامداری فعالیت دارند و یا به نوعی با پرورش دام سبک یا سنگین در ارتباط می‌باشند. بر این اساس جامعه آماری این تحقیق برابر با ۴۸۰۵ نفر بود که بر اساس روش نمونه‌گیری تعدادی از این جامعه انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. با توجه به اینکه تعداد عشایر دامدار در منطقه سیستان برابر با ۴۸۰۵ نفر تعیین گردید و با عنایت به ساخت و ترکیب جامعه آماری و گستردگی جامعه‌ی آماری در این پژوهش، با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه‌ی تحقیق برابر با ۳۵۵ نفر تعیین گردید که با توجه به پراکنش جامعه آماری در منطقه فوق و تفاوت فراوانی جمعیت بهره‌برداران آنها، با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب بر اساس رابطه زیر، سهم هر یک از این شهرستان‌ها در حجم نمونه جهت جمع‌آوری اطلاعات و تکمیل پرسشنامه تحقیق مشخص گردید که نتیجه این طبقه بندی در جدول (۱) آمده است.

به منظور بررسی رابطه بین متغیر وابسته تحقیق (نیازهای آموزشی عشایر درخصوص الگوی مناسب تغذیه دام) و متغیرهای مستقل از آماره‌هایی نظیر ضریب همبستگی اسپیرمن، پیرسون و آزمون‌های مقایسه میانگین نظیر: من وایت نی و کروسکال والیس استفاده گردید.

جدول ۱- سهم هر یک از شهرستان‌ها در توزیع و دریافت پرسشنامه

ردیف	شهرستان	تعداد در جامعه آماری	درصد از کل	حجم نمونه
۱	زابل	۴۶۲	۹/۵	۳۴
۳	هیرمند	۱۹۸۲	۴۱/۵	۱۴۷
۴	هامون	۴۶۲	۹/۵	۳۴
۵	نیمروز	۱۸۹۹	۳۹/۵	۱۴۰
جمع کل	۴۸۰۵	۱۰۰	۳۵۵	

یافته ها

در خصوص ویژگی های فردی و حرفه ای افراد مورد مطالعه مشخص شد که اکثر پاسخگویان مرد بوده که ۹۰ درصد کل جمعیت پاسخگویان را شامل می شود. همچنین از لحاظ سنی بیشترین فراوانی به افرادی از گروه سنی ۴۱-۵۰ سال، با فراوانی ۱۰۵ نفر (۲۹/۵ درصد) تعلق داشتند و کمترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۳۰-۲۰ سال با فراوانی ۷۵ نفر (۲۱) بودند. یافته های تحقیق در خصوص وضعیت تأهل کشاورزان مورد مطالعه حاکی از آن بود که تعداد ۵ نفر (۱/۵ درصد) از پاسخگویان مجرد و تعداد ۳۵۰ نفر (۹۸/۵ درصد) متأهل بودند. نتایج نشان داد که بیشترین فراوانی تحصیلات پاسخگویان را افراد زیردپلم با فراوانی ۱۸۲ نفر (۵۱ درصد) تشکیل می دهند. همچنین کمترین فراوانی از لحاظ سطح تحصیلات مربوط به مدارک لیسانس و بالاتر با فراوانی ۳ نفر (۱ درصد) بود. در خصوص نوع رشته تحصیلی افراد با مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر مشخص گردید که ۳ نفر این افراد دارای مدرک تحصیلی کشاورزی بودند و ۱۹۱ نفر نیز مدارک تحصیلی غیرکشاورزی داشتند. مطالعه تعداد اعضای خانوار عشایر مورد مطالعه نیز بیانگر این مطلب بود که بیشترین فراوانی به خانوار بین ۳-۵ نفر تعلق داشت و کمترین آنها نیز خانوارهای دو نفره بودند. یافته های تحقیق حاکی از آن بود که افراد با سابقه کشاورزی متعلق به طبقه ۱۵-۶ سال بیشترین فراوانی را به خود اختصاص دادند بطوری که این افراد ۴۰ درصد (۱۴۳ نفر) از کل جامعه مورد مطالعه را شامل شد. همچنین مشخص شد که افراد با سابقه دامداری متعلق به طبقه ۳۰-۱۶ سال بیشترین فراوانی را به خود اختصاص دادند بطوری که این افراد ۳۶/۵ درصد (۱۳۰ نفر) از کل جامعه مورد مطالعه را شامل شدند. در ادامه نتایج تحقیق در خصوص فاصله محل زندگی پاسخگویان تا مرکز شهر مشخص شد که محل زندگی ۱۷۶ نفر (۴۹/۵ درصد) از

پاسخگویان در فاصله (۲۰-۱۱ کیلومتر) از مرکز خدمات کشاورزی و عشایری قرار دارد که بیشترین فراوانی را به خود اختصاص می دهد و کمترین فراوانی را فاصله بالاتر از ۳۰ کیلومتر دارا بود که تنها ۲۲ نفر (۶ درصد) افراد دارای چنین شرایطی بودند. نتایج تحقیق در خصوص دفعات مراجعه به مراکز خدمات کشاورزی و عشایری نشان می دهد که بیشترین فراوانی به افرادی که بین ۱-۳ بار در سال به مراکز کشاورزی و عشایری مراجعه کرده اند با فراوانی ۱۵۳ نفر (۴۳ درصد) تعلق دارد. همچنین از نظر شرکت افراد در دوره های مختلف آموزشی مشخص گردید که افرادی که در سال ۱-۲ بار در دوره های آموزشی مختلف شرکت کرده اند بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده اند.

بررسی ویژگی های اقتصادی حاکی از آن بود که در خصوص میزان مالکیت اراضی افراد بیشترین فراوانی به افرادی که مساحت اراضی شان در طبقه ۱-۳ هکتار، با فراوانی ۱۶۱ نفر (۴۵/۵ درصد) بوده تعلق داشته و کمترین فراوانی ۱۵ نفر (۴ درصد) از افرادی که در طبقه ۲۰-۱۶ هکتار زمین زراعی داشتند تعلق داشت. همچنین در خصوص میزان سطح زیر کشت اراضی پاسخگویان نتایج پژوهش حاکی از آن است که بیشترین فراوانی به افرادی که سطح زیر کشت اراضی آنها در طبقه ۱-۳ هکتار، با فراوانی ۲۷۲ نفر (۷۶/۵ درصد) بوده تعلق داشته و کمترین فراوانی ۲ نفر (۰/۵ درصد) از افرادی که در طبقه بالاتر از ۱۰ هکتار سطح زیر کشت داشتند. در مورد تعداد دام سبک عشایر مورد مطالعه مشخص گردید که بیشترین فراوانی به افراد طبقه ۵۰-۱۱ رأس دام با فراوانی ۱۸۴ نفر (۵۲ درصد) بوده و کمترین فراوانی ۲۹ نفر (۸ درصد) از افرادی که در طبقه ۱۰-۴ رأس دام سبک داشتند تعلق داشت. علاوه بر این مشخص گردید که در خصوص تعداد دام سنگین بیشترین فراوانی به افراد طبقه ۳-۱ رأس دام با فراوانی ۳۰۵ نفر (۸۶ درصد) بوده و

کم‌ترین فراوانی ۳ نفر (۱ درصد) به افرادی که اعلام کرده بودند بالای ۱۰ رأس دام سنگین دارند تعلق داشت. توزیع فراوانی و مشخصه‌های آماری مربوط به عوامل مربوط به نیازهای آموزشی دامداران در زمینه تغذیه دام مشخص شد که گویه‌های خوراک‌های مورد نیاز دام، آشنایی با روش‌های برآورد نیاز غذایی دام و اصول تغذیه دام و احتیاجات تغذیه‌ای دام از اولویت بالایی نسبت به سایر موارد برخوردار بوده‌اند که نشان از تأکید پاسخگویان در این زمینه‌های آموزشی جهت یادگیری می‌باشد (جدول ۲).

جدول ۲- اولویت بندی گویه‌های مربوط به نیازهای آموزشی دامداران در زمینه تغذیه دام

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۱	۰/۲۱۳	۰/۹۲۸	۴/۳۶۶	خوراک‌های مورد نیاز دام
۲	۰/۲۳۵	۰/۹۵۹	۴/۰۸۷	آشنایی با روش‌های برآورد نیاز غذایی دام
۳	۰/۲۷۴	۱/۰۵۴	۳/۸۵۳	اصول تغذیه دام و احتیاجات تغذیه‌ای دام
۴	۰/۲۷۸	۱/۰۲	۳/۶۶۸	مواد مغذی مورد نیاز دام
۵	۰/۲۸۹	۱/۱۵۳	۳/۹۹۶	روش‌های تولید و فرآوری خوراک دام
۶	۰/۳۰۳	۱/۰۷۳	۳/۵۴	شناخت دستگاه گوارش دام
۷	۰/۳۱	۱/۲۴۶	۴/۰۱۵	افزودنی‌های مورد نیاز دام
۸	۰/۳۱۵	۱/۲۵۸	۳/۹۹۲	تغذیه نشخوارکنندگان در مناطق گرمسیری
۹	۰/۳۳۷	۱/۱۹۹	۳/۵۵۸	ویتامین‌ها و مواد معدنی در تغذیه دام
۱۰	۰/۳۸۵	۱/۳۰۴	۳/۳۸۵	آشنایی با استانداردهای غذایی مورد نیاز دام
۱۱	۰/۳۹۴	۱/۳۹۵	۳/۵۴۳	عوامل موثر بر گوارش
۱۲	۰/۳۹۴	۱/۲۹۴	۳/۲۸۷	کار با تجهیزات پرکاربرد
۱۳	۰/۴۱	۱/۲۷۵	۳/۱۰۶	آشنایی با بیماری‌های شایع گوارشی دام
۱۴	۰/۴۲	۱/۴۵	۳/۴۸	آشنایی با روش‌های تولید و فرآوری خوراک دام
۱۵	۰/۴۲۱	۱/۲۸۱	۳/۰۴۵	تغذیه نشخوارکنندگان
۱۶	۰/۴۳	۱/۳	۳/۰۵	تغذیه دام در دوران بارداری
۱۷	۰/۴۳۶	۱/۲۹۴	۲/۹۷	گوارش و سوخت و ساز دام
۱۸	۰/۴۴	۱/۴۹	۳/۳۶	فیزیولوژی گوارش در دام
۱۹	۰/۴۹	۱/۲۷	۲/۶	جیره نویسی در واحدهای پرورش دام

مطابق با جدول ۳، بررسی در خصوص اولویت بندی گویه‌های مربوط به مکان‌های آموزشی مورد نظر افراد مورد مطالعه نشان از آن داشت که بیش‌تر افراد یادگیری در واحدهای نمونه دامپروری استان و شهرستان محل زندگی و واحدهای نمونه دامپروری کشور را نسبت به سایر اماکن ترجیح می‌دهند.

جدول ۳- اولویت بندی گویه های مربوط به مکان های آموزشی برای برگزاری دوره های آموزشی

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه ها
۱	۰/۲۳۵	۱/۱۰۱	۴/۶۷۹	واحدهای نمونه دامپروری استان و شهرستان محل زندگی
۲	۰/۲۳۶	۱/۱۳	۴/۷۸۱	واحدهای نمونه دامپروری کشور
۳	۰/۳۰۳	۱/۱۶۴	۳/۸۴۹	مراکز تحقیقاتی دامپروری
۴	۰/۴۸۴	۱/۶۴۴	۳/۴	دانشگاه های دامپروری کشور
۵	۰/۴۰۹	۱/۲۸۴	۳/۱۳۶	مراکز آموزشی عالی دامپروری کشور
۶	۰/۵۱۷	۱/۵۲۷	۲/۹۵۵	مراکز آموزشی دامپروری استان های پیشرو

غیربومی در رتبه های پائین قرار گرفتند. اولویت بندی گویه های مربوط به صلاحیت های مورد نیاز آموزشگران از دید پاسخگویان مورد مطالعه در این تحقیق حاکی از آن بود که گویه های تجربه کاری، توانایی جلب رضایت مخاطبان و تسریع انتقال یافته ها به بهره برداران در رتبه های بالا قرار گرفتند (جدول ۴).

اطلاعات مربوط به توزیع فراوانی و مشخصه های آماری روش های آموزشی مناسب برای دستیابی به اطلاعات مشخص کرد که گویه های همسایگان و سایر اهالی و تشکیل جلسات کارشناسی و تبادل اطلاعات با سایر دامداران از اولویت بالایی نسبت به سایر موارد برخوردار بوده اند و گویه های شرکت در سمینارها یا کنفرانس ها و کارگاه های آموزشی با استفاده از اساتید

جدول ۴- اولویت بندی گویه های مربوط به روش های آموزشی مناسب برای دستیابی به اطلاعات

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه ها
۱	۰/۱۸۹	۰/۶۷۹	۳/۵۹۶	همسایگان و سایر اهالی
۲	۰/۲۳۵	۰/۸۷	۳/۶۹۸	تشکیل جلسات کارشناسی و تبادل اطلاعات با سایر دامداران
۳	۰/۲۳۶	۰/۸۷	۳/۶۷۹	مشورت انفرادی با متخصصان
۴	۰/۲۶۷	۰/۹۳۴	۳/۵۰۲	حضور کارشناس اداره عشایر در واحد تولیدی
۵	۰/۳۰۱	۱/۰۵۹	۳/۵۲۱	تماس با کارشناس اداره عشایر در اداره
۶	۰/۳۱۱	۰/۹۵۸	۳/۰۵۷	استفاده از مجلات و نشریات آموزشی
۷	۰/۳۶	۰/۸۵۲	۲/۳۶۶	برنامه های تلویزیونی
۸	۰/۳۶۳	۰/۹۹۶	۲/۷۴۷	برنامه های رادیویی
۹	۰/۳۷۳	۱/۱	۲/۹۴۷	تماس با رهبران محلی
۱۰	۰/۳۹۳	۱/۰۳۹	۲/۶۴۲	کارگاه های آموزشی با استفاده از اساتید غیربومی
۱۱	۰/۴۶۶	۱/۰۴	۲/۲۳۴	شرکت در سمینارها یا کنفرانس ها

به منظور بررسی رابطه بین متغیر وابسته تحقیق (نیازهای آموزشی عشایر درخصوص الگوی مناسب تغذیه دام) و متغیرهای مستقل از آماره‌های نظیر ضریب همبستگی اسپیرمن، پیرسون و آزمون‌های مقایسه میانگین نظیر: من وایت نی و کروسکال والیس استفاده گردید. نتایج آزمون‌های مربوط به قسمت تحلیلی به شرح زیر است:

نتیجه بررسی نشان می‌دهد که بین متغیرهای فاصله

محل زندگی تا مرکز شهر ($r=0/06$, $p=0/169$) و تعداد دفعات شرکت در دوره‌های آموزشی مختلف ($p=0/03$, $r=0/183$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه معنی دار و بین تعداد دفعات مراجعه به مراکز خدمات کشاورزی و عشایری ($r=0/16$, $p=0/169$) در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معنی داری با نیازهای آموزشی عشایر دارد. اما متغیر نیازهای آموزشی عشایر با سایر ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای رابطه معنی داری مشاهده نگردید (جدول ۵).

جدول ۵- تعیین رابطه ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای افراد مورد مطالعه با نیازهای آموزشی

متغیر اول	مقیاس	متغیر دوم	مقیاس	ضریب همبستگی		سطح معنی داری
				نوع	ضریب	
سن	نسبی	نیازهای آموزشی	فاصله‌ای	پیرسون	-۰/۳۵	۰/۵۷۹
تعداد اعضای خانوار	فاصله‌ای			پیرسون	۰/۱۱۷	۰/۰۶۰
سابقه فعالیت در زمینه کشاورزی	فاصله‌ای			پیرسون	۰/۱۹۰	۰/۲۲
سابقه فعالیت در زمینه دامداری	فاصله‌ای			پیرسون	۰/۱۱۷	۰/۰۶۰
فاصله محل زندگی تا مرکز شهرستان	فاصله‌ای			پیرسون	-۰/۱۶۹**	۰/۰۰۶
تعداد دفعات مراجعه به مرکز خدمات کشاورزی و عشایری	فاصله‌ای			پیرسون	۰/۱۴۹*	۰/۰۱۶
تعداد دفعات شرکت در دوره‌های آموزشی مختلف	فاصله‌ای			پیرسون	۰/۱۸۳**	۰/۰۰۳

مطابق با جدول ۶ یافته‌های پژوهش در زمینه تعیین رابطه بین ویژگی‌های اقتصادی با متغیر نیازهای آموزشی عشایر در زمینه تغذیه دام نشان می‌دهد که بین تعداد دام سنگین ($r=0/127$, $p=0/04$) و تعداد دام سبک عشایر

($r=0/160$, $p=0/01$) با نیازهای آموزشی آنان در خصوص تغذیه دام رابطه مثبت و معنی داری مشاهده گردید. یعنی هر چقدر که تعداد دام سبک و سنگین عشایر بیش تر باشد آنها احساس به آموزش بیش تری می‌کنند.

جدول ۶- تعیین رابطه ویژگی های اقتصادی افراد مورد مطالعه با نیازهای آموزشی

متغیر اول	مقیاس	متغیر دوم	مقیاس	ضریب همبستگی	
				نوع	ضریب
میزان اراضی کشاورزی	فاصله ای	نیازهای آموزشی	فاصله ای	پیرسون	۰/۱۴۲
میزان سطح زیر کشت	فاصله ای			پیرسون	۰/۲۲۶
تعداد دام سنگین	فاصله ای			پیرسون	۰/۱۲۷*
تعداد دام سبک	فاصله ای			پیرسون	۰/۱۶۰**
				سطح معنی داری	
					۰/۲۲
					۰/۲۳
					۰/۰۴۰
					۰/۰۱۰

یافته های جدول ۷ با استفاده از آزمون من ویتنی همانگونه که در جدول فوق هم مشاهده می گردد بین نیز حاکی از آن است که بین نیازهای آموزشی عشایر در خصوص تغذیه دام با هیچ یک از متغیرهای کیفی فردی از قبیل جنسیت و وضعیت تأهل آنها ارتباط ندارد.

جدول ۷- نتایج آزمون مقایسه میانگین ویژگی های فردی افراد مورد مطالعه با نیازهای آموزشی در سطح دوگانه متغیرهای مستقل

متغیر	گروه ها	میانگین	آماره U	سطح معنی داری
جنسیت	زن	۱۴۲/۱۸	۵۹۶۱	۰/۲۶۱
	مرد	۱۲۹/۹۵		
وضعیت تأهل	مجرد	۱۲۸/۷۰	۳۶۸۶	۰/۷۳۰
	متاهل	۱۳۳/۶۱		

انجام آزمون مقایسه ی میانگین متغیرهای در سطح چندگانه با استفاده از آزمون کروسکال والیس (مطابق با جدول ۸) نشان داد که بین سطوح مختلف تحصیلات (بی سواد، زیر دیپلم، دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر) و نیازهای آموزشی افراد مورد مطالعه پیرامون نیازهای آموزشی در خصوص تغذیه دام در سطح ۹۹ درصد اطمینان رابطه مثبت و معنی داری مشاهده گردید. عبارت دیگر می توان گفت کسانی که از سطح سواد بالاتری برخوردار باشند دارای نیازهای آموزشی بیش تر و متنوع تری نیز می باشند.

جدول ۸- نتایج آزمون مقایسه میانگین ویژگی های فردی، حرفه ای و ارتباطی افراد مورد مطالعه با نیازهای آموزشی در سطح چندگانه متغیرهای مستقل

متغیر	گروه ها	میانگین	آماره خی دو	سطح معنی داری
سطح تحصیلات	بی سواد	۹۷/۲۹	۴۷/۳۶۶	۰/۰۰۰
	زیر دیپلم	۱۱۲/۵۴		
	دیپلم	۱۳۱/۴۳		
	فوق دیپلم	۱۹۷/۷۴		
	لیسانس و بالاتر	۱۷۰/۶۴		

بحث و نتیجه گیری

رسالت برنامه های توسعه در جوامع روستایی و بخش کشاورزی از طریق ارتقاء سطح آگاهی و دانش کشاورزان و در نتیجه افزایش مهارت و توانایی آنها در استفاده ی بهینه از منابع موجود، افزایش نیل به توسعه ی پایدار و بهبود زندگی روستائیان و عشایر تجلی پیدا می کند. به عبارت دیگر نظام آموزش رسمی و غیررسمی در بخش کشاورزی بر روی منابع انسانی در جهت زمینه سازی پذیرش نوآوری ها و یافته های جدید و در نهایت دستیابی به اهداف توسعه ی روستایی و کشاورزی فعالیت می کند. توجه به بخش دامپروری به عنوان یکی از زیربخش های کشاورزی علاوه بر نقش کلیدی که در امنیت غذایی جامعه بر عهده دارد، سهم مهمی در اشتغال و کسب درآمد جمعیت فعال بخش کشاورزی از جمله روستائیان و عشایر را دارد. از این رو توجه به این بخش و ارتقاء دانش و مهارت بهره برداران این بخش می تواند در تولید و بهره برداری و رفع حداکثری نیاز جامعه به برخی از مواد غذایی مؤثر باشد. این تحقیق به بررسی و شناسایی نیازهای آموزشی عشایر منطقه سیستان در خصوص تغذیه دام با توجه به اشتغال اصلی آن ها به دامداری و مخاطرات دامی منطقه پرداخته است. که با توجه به یافته های حاصل از تحقیق پیشنهادهایی به شرح زیر قابل ارائه می باشد:

- با توجه به اینکه اغلب افراد مورد مطالعه منابع اطلاعاتی و آموزشی خود را آشنایان و همسایگان عنوان کرده اند بهتر است از روش های آموزشی غیرمستقیم با کمک عشایر و کشاورزان پیشرو یا روش استفاده از دامدار جهت آموزش آنان و رساندن اطلاعات مورد نیاز استفاده کرد.

- بهتر است نیازهای آموزشی بر اساس حیطه دانش و مهارت عشایر و همچنین کاربرد عملی آن سنجیده شود. بنابراین پیشنهاد می گردد در پژوهش های نیازسنجی آموزشی به جای رویکرد تشخیصی از رویکرد اختلافی

یعنی سنجش اختلاف سطح دانش و مهارت موجود با وضعیت مطلوب استفاده گردد.

- با توجه به رابطه منفی و معنی دار فاصله محل سکونت تا مراکز خدمات کشاورزی و عشایری با نیازهای آموزشی افراد مورد مطالعه پیشنهاد می گردد از روش های آموزشی عملی و انفرادی از قبیل حضور کارشناس در محل برای ارائه آموزش استفاده شود.

- بهتر است که سعی شود از عشایر دامدار که در کلاس ها و دوره های آموزشی شرکت می کنند، خواسته شود که اطلاعات علمی کسب شده در دوره ها را به سایر عشایر نیز آموزش دهند.

- پیشنهاد می گردد که مسئولان برنامه های آموزشی - ترویجی به زمان و روش های مناسب آموزشی از دید افراد مورد مطالعه اهمیت داده و برنامه های خود را بر این اساس پی ریزی نمایند.

- در دوره های آموزشی از روش های آموزشی که مشارکت فعال فراگیران را در بر دارد، استفاده شود و در طرح ریزی و اجرای برنامه های آتی از مشارکت و نظرخواهی همه بهره برداران استفاده بهینه شود.

- پیشنهاد می گردد برگزاری دوره های آموزشی با توجه به خصوصیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی هر منطقه و شناسایی دقیق این ویژگی ها صورت گیرد.

منبع ها

- اسدی کرم، ع. (۱۳۸۲). صلاحیت های مورد نیاز مروجین امور دام. مجله علوم کشاورزی ایران، شماره ۳۴، ص ۳۳۳-۳۴۳.
- اسماعیلی متین، م و عزیزی، ق. (۱۳۹۳). بررسی و شناسایی نیازهای آموزشی ترویجی عشایر استان کرمانشاه. همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران.
- ایروانی، ت. (۱۳۸۳). بررسی نیازهای آموزشی - ترویجی عشایر کوچنده کرد و نیمه کوچنده ترکمن و مقایسه آنها در مراتع حوزه آبی سو، شرق گلستان. مرکز اطلاعات علمی، دوره یک، شماره ۱، ص ۹۹-۹۰.
- حاجی میر رحیمی، س. د. (۱۳۸۲). بررسی نیازهای آموزشی شاغلان گاوداری های نیمه صنعتی استان قم. پژوهش و سازندگی. ۶۱: ۳۹-۵۰.
- حبیبیان، س. ح، مهرابی، ع. ا. و شوکت فدایی، م. (۱۳۸۳). بررسی و مقایسه میزان وابستگی تغذیه ای دام به منابع مرتعی بین عشایر اسکان یافته خود جوش و هدایت شده در دشت بکان استان فارس. همایش ملی ساماندهی جامعه عشایر ایران.
- صالحی ده پادگانی، ه، برادر، ر و رضایی شریف آبادی، س. (۱۳۸۸). بررسی نیازهای اطلاعاتی دانش آموزان عشایر کوچنده ایل قشقایی استان فارس، طایفه عمله، تیره صفی خانی: ارائه الگویی جهت تأمین خدمات کتابخانه ای. فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و ساماندهی اطلاعات، دوره ۲۰، شماره ۴.
- قاسمی، ن، مغانی، ص، اسدی، ج و حاجی میررحیمی، د. (۱۳۹۰). بررسی نیازهای آموزشی عشایر بهره بردار پایاب سد ارسباران در زمینه پرورش گاو. سومین کنگره علوم ترویج و آموزش کشاورزی.
- محمدی، م، سپیدنامه، ز و عباداله عموقین، ج. (۱۳۹۵). بررسی نیازهای اطلاعاتی زنان عشایر کوچ نشین شهرستان کهگیلویه. ماهنامه تعامل انسان و اطلاعات، ۲ (۴): ۷۷-۸۵.
- منفرد، ن؛ فاطمی، م؛ رضایی مقدم، ک؛ مقدس فریمانی، ش؛ بیات، پ و امیرامینی خلف لو، م. (۱۳۹۸). نیازسنجی آموزشی دوره های مهارت آموزی کشاورزی ارگانیک برای بهره برداران استان بوشهر. فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۵۱.
- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی. (۱۳۹۲). نیازسنجی آموزش روستایی/ عشایری. ص ۲۷-۱.
- Atuti, R. M. (1999). *camel library service to nomadic pastoralists: the Kenyan scenario*, retrived from. Sagepub.com.
- Weldy, G. T. (2009). *Learning organization and transfer: Strategies for improving performance*, 16(1), pp. 58-68.

Needs assessment of training courses for nomads in Sistan region regarding the appropriate pattern of livestock nutrition

Alireza Arbab¹, Mostafa Yousefelahi², Valiollah Sarani³, Hasan Shahraki⁴

1-Master of Livestock Nutrition, Faculty of Agriculture, Zabol University

2-Associate Professor, Department of Animal Science, Faculty of Agriculture, Zabol University

3- Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Zabol University

4- Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Zabol University

Abstract

This research was an applied research and in terms of data collection method, it was a descriptive-correlational research that was done using a survey technique. The statistical population of the study consisted of 4805 agricultural producers in five counties of Sistan region. Using the Cochran formula, a sample of 355 individuals was selected and used by stratified sampling method. The research instrument was a researcher-made questionnaire whose validity was confirmed by the committee. The reliability of the questionnaire was evaluated using a preliminary test and completing 30 questionnaires in the statistical population and the Cronbach's alpha coefficient was calculated at the desired level. Findings of the research on the most important educational needs of the respondents showed that familiarity with animal feed requirements, familiarity with methods of estimating animal nutritional needs and principles of animal nutrition and nutritional needs of livestock have a high priority over other items. The results of the correlation analysis indicated that there was a significant relationship between the distance to the city center, the number of livestock and the number of attending educational courses at the 99% confidence level and the number of referrals to the centers. The agricultural and nomadic services and the number of heavy traps in the 95% confidence level have a positive and significant relationship with tribal education needs. The findings of this study showed that there was a significant relationship between the different levels of education of the nomads and their educational needs regarding livestock feeding.

Index terms: Sistan, Educational Needs, Nomads, Livestock, Livestock Feeding

Corresponding Author: Valiollah Sarani

Email: vsarani@uoz.ac.ir

Received: 220/12/20

Accepted: 2021/03/20